

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر:

ایالات متحده آمریکا پرورشگاه تبهکاران

صفحه ۴

مردم ایران، دریگانگی حرکت انقلابی و ضد امپریالیستی خود به قانون اساسی رأی مثبت می دهند

این وعده‌های صریح است که مانند همه وعده‌های امام به تحقق خواهد پیوست .
در شرایطی که ملت قهرمان ایران برای تثبیت پیروزی انقلابی خود بردشمنان داخلی و خارجی و نیز برای تحکیم موجودیت مستقل و آزاد خویش در یک نبرد مرک و زندگی با امپریالیسم آمریکا درافتاده است، یگانگی صف مبارزان راه انقلاب تنها وثیقه غلبه بردشواریه و مخاطرات است. هرایرانی میهن دوست و هر مبارز راه انقلاب، ازهر عقیده و مسلک و مذهب که باشد، وظیفه دارد که با شرکت در فراندوم و دادن رأی مثبت به قانون اساسی صف ملت را هرچه فشرده تر و انبوه تر کند و نمایشی پرشکوه از یگانگی نیروها پیش چشم جهانیان بگذارد.

پیروز باد انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ملت ایران به رهبری امام خمینی!
فشرده تر باد صف مبارزان انقلابی توده‌های مستضعف ایران!

اتحاد دموکراتیک مردم ایران

۵۸/۹/۸

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می رود که به همه پرسى گذاشته شود. این سند دوران ساز بیان حقوقی دستاوردهای انقلاب بزرگ اسلامی ایران و راهنمای حرکت آینده جامعه ما بر مبنای حق و عدالت و آزادی و پیشرفت در چارچوب استقلال و تمامیت ارضی کشور است. از این رو، با آن که در برخی موارد معدود نمایشگر تمامی خواسته‌های برحق این یا آن قشر از توده‌های محروم و مستضعف این مرز و بوم نیست، به هر حال قدمی بسیار بزرگ به پیش است و نیروهای را در بطن جامعه ما رها می سازد و به صحنه عمل اجتماعی و سیاسی می کشاند که همین که به حرکت درآمدند و سازمان یافتند، نه تنها از سر آگاهی پاسدار استقلال ایران و ضامن حقوق و آزادیهای مردم خواهند بود، بلکه همچنین، بر حسب مقتضیات تکامل جامعه و تغییر ناگزیر تناسب نیروها، گسترش دهنده این حقوق و آزادیها در جهت استقرار برابری و محو استثمار خواهند شد. بویژه توجه به این نکته مایه دلگرمی است که طبق فرموده امام خمینی، تقابص و ابهامات این قانون را می توان در فرصتی نزدیک طی متممی که تدوین خواهد شد رفع کرد، و

عاشورای حسینی پیروزی حق بر باطل

همه جنبش‌های انقلابی در خطر سرخ مبارزه بر ضد ظلم و بیدادگری از یک تبارند. نیروهای پیشرو از این جنبش‌ها درس می گیرند و از آن احساس غرور می کنند. میراث گرانقدر این جنبش‌ها در گنجینه زرین فرهنگ انقلابی بشریت پشتوانه همه مبارزان راستین در مبارزه بخاطر حق و عدالت است.
قیام حسین بن علی در برابر دستگاه پلید و ضد مردمی یزید بن معاویه یک جنبش اصیل مذهبی-اجتماعی است که حماسه شکوهمند آن هزار و چهارصد سال پیش در صحرائی کربلا آفریده شد. حسین در این صحرائی بی آب و علف با هفتاد تن از یارانش که بدعوت مردم کوفه به آنجا می رفت تا مبارزه آنان را علیه یزید بن معاویه رهبری کند، به محاصره چهار هزار مرد جنگی عمر بن سعد بسن

ترجمه کاوه اعتماد زاده

گونه‌های تاریخی ناسیونالیسم زمینه‌های آغازین ناسیونالیسم

اگرچه ملت‌ها از حیث تاریخی نخستین بار بر مبنای مناسبات تولیدی سرمایه‌داری شکل گرفتند، اما عنصر ملی (به معنای اجتماعی-قومی) و کارکرد اجتماعی آن پیش از ظهور طبقات دیده میشود. باید بخاطر داشت که پیوند خونی از اولین عوامل طبیعی بود که موجب سازمان یافتن اجتماع بشری گردید و نقش آن همگام با گسترش تولید مادی دگرگونی یافت. روند اجتماعی-اقتصادی در جوامع مشخص اجتماعی-قومی آشکار ساخت که آنها واحدهای بالنسبه ثابتی بودند که منشاء نژادی، زبان، فرهنگ، سرزمین و اقتصاد مشترک شالوده‌شان را تشکیل میدهد.

جوامع اجتماعی - قومی نظیر کلان‌ها، قبیله‌ها و اتحادهای قبیله‌ای نمونه‌وارترین سیستم‌های کمون اولیه بوده‌اند. بنابراین مجموعه روابط اجتماعی-قومی درون و بیرون جوامع شامل محتوای تاریخی عنصر ملی (به معنای اجتماعی-قومی) در جامعه ماقبل طبقاتی است. جوامع اجتماعی-قومی در سازمان یافتگی آغازین جامعه بهترین مقام را دارند؛ زیرا در آنها تقسیم طبقاتی وجود ندارد و در ضمن تقسیم کار اجتماعی و حرفه‌ای هنوز در مراحل جنینی قرار دارد. باید

بقیه در صفحه ۲

فریدون تنکابنی

اعلام جرم یک طنز نویس علیه شاه مخلوع

شش ماه زندان: مجازات یک «زکی»!

گرچه شاه مخلوع و پادوهای او، نظیر هویدا، از هاری و شاپور بختیار، با سخنان ابلهانه‌شان، که در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شد، سوزدهای فراوان به فکاهی نویسان و طنزپردازان می‌دادند، با این همه سرکردن با چنان ابله‌های قلدری آسان نبود. زیرا چنان که راه و رسم‌شان بود، جواب همه چیز حتی شوخی را، با سرنیزه و زندان می‌دادند.

بقیه در صفحه ۳

۱. پویا محمدعلی مهید

چرا برای آمریکا آری، برای ایران نه؟

که بنا بر شایعات با اصطلاح وحشت انگیز - که از ناحیه خود مقامات امریکایی به خورد خیرگزاریه داده می‌شود - «احتمالات» نظامی اضطراری در آن مورد بحث بوده است! چپ و راست ناوگانها، کشتیهایی با نامهای آشنا، «زست»ها، مانورها و مقاصد آشنا، که چیزی جز ارباب - و بنا بر محاسبات غلط - احتمالا «به‌زانو درآوردن» ملت‌ها و خلقهای بی‌خاسته نیست، به آبهای جنوبی ایران گسیل می‌دارند که از قرن‌ها پیش، کشتیهایی بسیار، حتی نوع «توپدار» آن را، از امپراتوری‌هایی بخود دیده است که امروز فقط تاریخ به‌زحمت نام آنها را بیاد می‌آورد!

بقیه در صفحه ۲

کاخ سفید نشینان ناتوان از درک شرایط کنونی جهان و منطق روند جبری تحولی و تکاملی آن بیاد روزگاران طلایی رواج بازار «کشتی توپدار» قتلشن بازی آغاز کرده اند، اجلاسهای جنجال برانگیز و «پانیک» آفرین در کمپ دیوید تشکیل می‌دهند، با مشاوران نظامی به گفت‌وگو می‌نشینند،

«عام» و «خاص» در روندهای تحولات انقلابی

«قسمت دوم» صفحه ۳

شانزده آذر یاد روز

سه ستاره خونین دانشگاه

۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ شاهد یکی از خونین‌ترین صحنه‌های یورش سیمان نه در خیابان شاه به دانشگاه تهران و خون کشیدن سه ستاره نهضت مقاومت ضد امپریالیستی مردم ایران بود.

شاه‌خائن که با توطئه سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) توانست با کودتای فنیک ۲۸ مرداد ۳۲ دولت ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون نازد و تاج و تخت نکبت آفرین خود را از گردن خشم‌توفانی ملت برهاند، زمینه‌های لازم را برای حراج ایران در بازار مکاره انحصارات غارتگر بین‌المللی و انعقاد قرارداد فنیک با کنسرسیوم بین‌المللی نفت تدارک می‌دید. برای این خدمت چاکر منشانه و خفت آور لازم بود ایران به گورستان سکوت و زندان فرزندان میهن پرست و ضد امپریالیسم بدل شود. از این رو یورش به سازمان‌های ملی و دموکراتیک آغاز گردید و زندانها از پیشقراولان نهضت ضد استعماری ایران انباشته شد. پس از سرکوب خونین مردم و سازمان‌های سیاسی توبت به دانشگاه رسید.

بقیه در صفحه ۴

چرا برای امریکا آری؟...

بقیه از صفحه ۱

مقامات حاکم امریکا چرا «اولدورم بیلدیرم» به راه انداخته اند؟ آیاملت ایران مثلاً تصد آن کرده است که امریکارتحت سلطه و سیطره اقتصادی، نظامی و سیاسی خود درآورد، نفت امریکا را به ثمن بخش بیعنا برد و برای پرداخت هرچه کمتر بهای آن انواع قلبیها و حیلها شیطانی بکار برد؟ آیا مردم ایران قصد دارند یک سلسله پیمانهای نظامی اسارت بار به ایالات متحده امریکا تحمیل کنند و بدین وسیله استقلال را که این کشور پس از تحمل مرارتها و مشقتها بسیار در سال ۱۷۷۶ تحصیل کرده است نقض کنند؟ آیا دولت انقلابی و خلقی ایران «آزمندانه» در صدد است که بازارهای امریکا را از مازاد و قفاله های صنایع خود، مخصوصاً نوع نظامی آن و از کالاهای بنجل خود پر کند، یا قصد آن را دارد که دهها هزار مستشار قدونیمقد خود را یا حقوقهای ماهانه نفری صدها هزار ریال به مردم امریکا تحمیل کند؟ آیا رهبری جنبش خلقی ایران دست اندر کار توطئه چینی برای نقض استقلال و حاکمیت مردم امریکا، در زمینه رئیس جمهوری، یا سناتور، یا وکیل و وزیر تراشی در این کشور است؟ و دهها «آیای» دیگر که مردم فرزانه و منصف جهان، حتی بسیاری در ایالات متحده امریکا پامخ آنها را بی کم و کاست می دانند!

آقای کارتر، آقایان سناتورها و اعضای کنگره و رجال سیاسی امریکا یقیناً بیاد دارند و نیک می دانند که چرا کنگره این کشور در ۴ ژوئیه سال ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال معروف را تصویب کرد و برپایی دولت «آزاد و مستقل ایالات متحده امریکا» را اعلام داشت. آیا اگر دولت بریتانیا در آن هنگام تمام نیروی نظامی خود و دولتهای مقتدر اروپا را برای نقض استقلال نوزاد و نوپای امریکا و از هم دریدن سند آن، که بدست توماس جفرسون و تحت تاثیر اندیشه های روسو در زمینه برابری انسانها و حق حاکمیت ملتها نوشته شد، بسجعی می کرد، با چنین اقدام غیر انسانی و ستمگرانه، خشم و نفرت استقلال طلبان و آزادیخواهان امریکا به حق بر نمی انگیخت؟

اگر نیک اندیشان و فرزانه گانی در امریکا، هنوز به این سند استقلال - که در آن هنگام، یعنی در دوران نابرابریهای اجتماعی، بی عدالتیهای سیاسی و واپس ماندگیهای نظامات فئودالی حاکم بر سراسر جهان، بسیار مترقی بود - مباحی هستند و به حق بدان افتخار می کنند، یقیناً باید محکوم کنند کسانی را که - ولو امریکایی باشند - استقلال ملت های دیگر و حق آنها را در زمینه رفح نابرابریهای اجتماعی، بی عدالتیهای سیاسی و انواع واپس ماندگیها، پاس نمی دارند. آیا این طرز تفکر ظالمانه و بی خردانه نیست که ملت خودی را محق و سزاوار بدانیم که دوست و اوندی سال پیش برای استقلال خود و برای رفح نابرابریهای اجتماعی، بی عدالتیهای سیاسی و انواع واپس ماندگیها در کشور خود بپاخاسته باشد، لکن این را در قرن بیستم بر دیگران

گونه های تاریخی ناسیونالیسم

بقیه از صفحه ۱

در نظر داشت که جوامع اجتماعی - قومی تا حدود معینی در زندگی مردمان امروز که تمایز طبقاتی در درون شان در سطح ناچیز است همان نقش را ایفا میکند.

بدون شك نقش اجتماعی عنصر ملی در جامعه ماقبل طبقاتی متضاد بوده است. گسترش جوامع اجتماعی - قومی از یک سو درجه بلوغ و بنا بر این پیشرفت تاریخی نوع بشر را بیان میکند و از سوی دیگر اشکال ابتدائی تجزیه بوجود می آید که در شرایط معین به روابط ستیزه آمیز در بین جوامع اولیه منجر میگردد. بدگمانی و سوء ظن افراد جوامع اجتماعی - قومی ریشه در چنین روابطی دارد. در دوران بعد، در جامعه طبقاتی نطفه این بدگمانی و روابط خصومت آمیز شکفته میشود و از آن روان شناسی ناسیونالیستی پدید می آید که تحت تاثیر شیوه زندگی، فشار سنتها و موقعیت سیاسی طبقاتی دوام و قوام می یابد.

محتوای ارتجاعی روابط جوامع گوناگون اجتماعی - طبقاتی برای نخستین بار در جامعه آناگونیستی طبقاتی برده داری نمایان می گردد.

ملیت ها که پیش از پیدایش ملت ها جوامعی اجتماعی - قومی با پیوندهای زبانی، سرزمینی، اقتصادی و فرهنگی بودند، در جوامع برده داری و فئودالی شکل گرفتند. پدید آمدن ملیت روند پیچیده ای است که از عملکرد و تاثیر عوامل زیادی مایه می گیرد: پیدایش اتحادهای قبیله ای که مستلزم پیوندهای فرهنگی، اقتصادی میان قبیله ای است؛ برخورد های نظامی بین قبیله های مختلف؛ کوچیدن؛ پیدایش مالکیت خصوصی و تجزیه طبقاتی. دو عامل اخیر نقش اساسی داشت و قبیله ها را به یک اختلاط تدریجی سوق داد. در این دوره پیوندهای خونی بتدریج نقش سازماندهی اش را از دست میدهد.

پیدایش دولت در جامعه طبقاتی تاثیر نیرومندی در شکل گیری ملیت ها داشت. این پدیده در جهت یکپارچگی ملیت ها عمل نمود، زیرا گسترش آنها در چارچوب معین دولت انجام میگرفت. در جامعه برده داری روندهای الحاق گرایانه سیاسی و اقتصادی گوناگونی در شکل گیری ملیت ها اثر نهاد. در پی آن جوامع اقتصادی و سیاسی گسترده ای بشکل اتحادها، دولت شهرها، فدراسیون ها، پادشاهی ها و امپراطوریا پدید آمد.

همه این جنبه های فاسزگار و متضاد در گسترش جوامع اجتماعی - قومی، روانشناسی مردم، ایدئولوژی و سیاست دولت های برده داری تاثیر داشت. در دوره ماقبل سرمایه داری دو گرایش عمده وجود داشت که در موقع خود بخشی از محتوای ناسیونالیسم را بعنوان یک پدیده اجتماعی تدارک دید.

گرایش نخست مربوط به دفاع ایدئولوژیک از موقعیت ممتازی است که نصیب ملیت غالب می گردد. مفاهیم سیاسی و ایدئولوژیک «گزیدگان» و «فراستان» که مدعی نقش رهبری ملیت های گزیده و اقیاد ملت های فرودست بود، گسترش یافت. به عنوان نمونه در یونان باستان بین هلن ها و بربرها و در روم باستان بین رومن ها و بربرها تمایز وجود داشت. ملیت های دیگر که همه بر بر شناخته می شدند، وسیله بالفعل یا بالقوه بهره کشی گزیدگان بودند.

گرایش دوم معطوف به تمایل قبایل و ملیت های مغلوب و مورد استثمار در حفاظت خود است. این تمایل در درون خود حاری تضاد بود. زیرا از یک سو تمایل به انزوای سیاسی و اقتصادی و برخورد منفی به تجربه ملیت های دیگر ترمزی در راه تکامل اجتماعی بود

ملت ما طبیعی، مشروع و عادلانه است. ملت ما بنا بر اصل مسلم و دنیا پسند «حق ملتها در تعیین سرنوشت خودشان» می خواهد فارغ از مداخله دیگران مستقل و آزاد زندگی کند. ملت ما می خواهد در درون مرزهای جهان شناخته خود، مالک تمام منابع و ذخایر طبیعی خود، بی مزاحمت دیگران، باشد و از آن بهر شکل و اندازه ای که بخواهد استفاده کند. اگر دولت ایالات متحده امریکا و بعضی مقامات «نازک» نارنجی آن کلاه خود قاضی کنند و یک لحظه فارغ از تاثیر مطامع جهانخوارانه، «شرافتمندانه» و عادلانه دآوری کنند، مسلماً و بی چون و چرا ما را در این خواست مشروع، عادلانه و دنیا پسند محق خواهند دانست که می خواهیم جنایتکاران، دزدان و مفسدان بی نظیری چون محمد رضا پهلوی و اعوان و انصار او را که میزان آدمکشی ها، غارتگریها و فساد آفرینیهای آنها حتی در مقیاس لحظه ها حیرت و وحشت برانگیز و در سراسر جهان بی سابقه و بی نظیر است، به ما تحویل دهند تا در یک محکمه ملی محاکمه شان کنیم و به کیفرشان - کیفری که رای عادلانه آن از پیش وسالهاست که از طرف خلقهای ما صادر

شده است - برسائیم. «اگر» یک لحظه «روح توماس جفرسون در آقای جیمی کارتر حلول می کرده» یا بگونه ساده و عملی، ایشان یک لحظه می - کوشید تا مانند این رجل آزاد - اندیش امریکایی بیندیشد، آنگاه موضع و احساسات توده های برآشفته و خشمگینی را درست مانند هزاران امریکایی که پیش از تحصیل و اعلام استقلال این کشور از استعمار و استثمار انگلیس رنج می بردند - که علیه ستمها، غارتگریها و مفساد ایران بر بادده دودمان ننگین پهلوی، که مردم ایران از چشم مقامات امریکا می بینند - و درست و بحق هم می بینند - قیام کرده اند و دست به اشغال مرکز صدور رهنمود این ستمها، غارتگریها و مفساد زده اند، درک می کردند.

گمان می کنم این استدلال را هر چه مکتبی بفهمد و ببیند، مگر آنکه چنین بیندیشیم - چنین نیز هست - که مقامات امریکاییستی امریکا بگونه دیگر می اندیشند و عمل می کنند:

آنها می گویند، آزادی، استقلال، حق حاکمیت در تعیین سرنوشت، رفاه، پیشرفت و... برای امریکا آری، برای ایران و جهان نه!

و از سوی دیگر تمایل به حفاظت از خود مانع از به انقیاد درآمدن به وسیله ملیت غالب بود. این جنبه های مغایر در دوره های بعدی به سنت های پایداری بدل شدند.

این روندهای پیچیده را می توان مجازاً به عنوان «ماقبل تاریخ» ناسیونالیسم مدرن، زمانی که مقدمات مشخص و برخی عناصر آن شکل می گرفتند، در نظر گرفت. اما چرا این روند هارا «ماقبل تاریخ» ناسیونالیسم می نامند. تعریف ناسیونالیسم به مثابه اغراق در عنصر ملی بمنظور تامین هدف های خودخواهانه طبقاتی باعث می شود که این روندها را به ناسیونالیسم مربوط بدانیم.

ظاهراً عنصر ملی و محتوای طبقاتی آن پیش از آنکه تحت تاثیر هدف های خودخواهانه طبقاتی به افراط و تحریف کشانده شود باید از مراحل تکامل تاریخی مشخص بگذرد و به درجه معینی از رشد برسد.

تاریخ دانان، نژادشناسان، فلاسفه و دیگر دانشمندان باید تلاش خود را برای بررسی تکامل جوامع اجتماعی - قومی متمرکز سازند. در حال حاضر، در این که چرا عنصر ملی برای دوره ای طولانی نتوانست پایه ای برای آغاز ناسیونالیسم باشد، تنها می توان ایده معدودی ابراز داشت.

در اجتماع اولیه رابطه جوامع اجتماعی - قومی مختلف پایدار و سیستماتیک نبوده است. در اجتماع برده داری و فئودالیسم کشاورزی بعنوان وسیله حیات در زندگی اقتصادی رواج داشت و گرایش هم به محدود کردن توسعه روابط داخلی و خارجی جوامع اجتماعی - قومی وجود داشته است.

یکگانگی دشمنی اعضاء جوامع مختلف اجتماعی - قومی در جامعه برده داری و مراحل ابتدائی جامعه فئودالی نمایشگر ناسیونالیسم واقعی نیست. با این همه شرایط مشخصی برای مطلق نمودن منافع جامعه اجتماعی - قومی در جهت مقاصد خودخواهانه طبقاتی وجود دارد. علی رغم آن، تکامل آنها روندی طولانی و بفرنج است و بطور عینی مبتنی بر تکامل و تاثیر متقابل عناصر ملی و طبقاتی در ساختار اجتماع است. هر یک از اینها پیش از بدل شدن ناسیونالیسم به یک پدیده اجتماعی می بایست از یک خط سیر مشخص تکامل تاریخی گذر کنند. تجزیه و تحلیل ناسیونالیسم از آن رو بفرنج است که اجزای تشکیل دهنده آن در زمان های گوناگون ظاهر شده و در نتیجه محتوای طبقاتی خود را دگرگون می سازند.

در میان آنها مرکز - نژادی تحول یافته ای با سمت گیری روشن طبقاتی وجود دارد. روابط حاکمیت و تابعیت که در اجتماع برده داری پدید آمد در جوامع اجتماعی - قومی یونانی های باستان، رومی ها، پارسی ها و آریایی ها و مردم تابع آنها گسترش یافت. اختلافات در درون جوامع اجتماعی - قومی خصلت متضاد و طبقاتی بخود گرفت. پیدایش دولت رومانی سیاسی - ایدئولوژیک استعماری عامل مهمی در تکوین آگاهی در میان توده های تحت ستم بود. طبقات استثمارگر ایده های ناسیونالیستی را که به آنها امکان میدهد هدف های طبقاتی شان را به عنوان منافع جامعه اجتماعی - قومی جا بزنند گسترش میدهند. بدین سان می بینیم که عنصر ایدئولوژیک ناسیونالیسم به مثابه جزء لاینجزای رومانی استعماری و نیز به عنوان عامل روانشناسانه که موجب پاروری آن در آگاهی توده ها می گردد، در ساختارهای طبقاتی ماقبل سرمایه داری ظهور میکند.

پارشد مناسبات سرمایه داری در بنطن فئودالیسم رفته رفته موانع درونی این نظام که مبتنی بر سلطه کشاورزی خود مصرفی است، فرومی ریزد. باطلوع سرمایه داری در انقلابات بورژوازی تحولات پیچیده شتابانی در جوامع اجتماعی - قومی بوجود می آورد. بهر حال در دوره های گذشته پروسه هایی وجود داشته اند که بعدها منجر به تبدیل ملیت ها به ملت ها شدند.

فردریک انگلس در اثر خود بنام «زوال فئودالیسم و پیدایش دولت های ملی» زمان دگرگونی های درونی جوامع اجتماعی - قومی را در اروپای باختری سده های نهم و دهم میدانند.

در جریان پیدایش سرمایه داری، تغییرات عمیقی در محتوای طبقاتی روابط درونی و بیرونی جوامع اجتماعی - قومی بوجود می آید و عنصر ملی به مرحله نوین کمال خود اعتلاء می یابد.

منظور از گونه های تاریخی ناسیونالیسم چیست؟ اگر ناسیونالیسم از زاویه تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، مضمون واقعی و ویژگیهای تاریخی و اشکال گوناگون آن متمایز می گردد.

ناسیونالیسم بعنوان پدیده ای اجتماعی مولود علت های معینی است که مانند پدیده های دیگر دیالکتیک عام و خاص را در بیان می آورد. با استفاده از این اسلوب، می توان آن را به سه بخش عام، خاص و فرد تقسیم نمود که ترکیب پیچیده شان رنگارنگی ناسیونالیسم را بوجود می آورد.

در نظام سرمایه داری تحریف و بزرگ کردن عنصر ملی و مبالغه در نقش آن در جامعه نمونه وار است و آن را باید ناشی از علل عام آن دانست. عنصر ملی تحت تاثیر علایق خودخواهانه طبقات و گروه های جمعی استثمارگر که از روابط و مسایل ملی به نفع هدف های خود سود می جویند، به بیراهه کشانده می شود.

علت های ویژه ای سبب میشود که ناسیونالیسم به گونه معین تاریخی رخ نماید. مقوله «گونه تاریخی» به نوع معینی از ناسیونالیسم مربوط می گردد. مضمون طبقاتی و اجتماعی - اقتصادی واقعی یک دوره تاریخی یا فرماسیون اجتماعی - اقتصادی و زمینه ساز شرایط آن است. به عبارت دیگر تقسیم ناسیونالیسم به گونه های تاریخی بیانگر این است که کدام طبقه یا گروه اجتماعی در پس تحریف عنصر ملی پنهان شده، در جهت هدفها و منافع اجتماعی چه کسانی عمل میکنند و دارای چه ویژگیهایی است.

گونه های تاریخی ناسیونالیسم بر حسب شرایط و علل عینی در زمان ها، نواحی و کشورهای مختلف اشکال متنوعی پیدا می کند. شکل های گونه های ناسیونالیسم منوط به روابط مشخص ساختار درونی اجزای تشکیل دهنده آنهاست. عام لاصلی شکل دهنده آن همواره مفهوم سیاسی - ایدئولوژیک رایج این یا آن طبقات یا گروه های اجتماعی استثمارگر است.

ایالات متحده امریکا

پرورشگاه تبهکاران!

در پی اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران نیروها و سازمان‌های راست افراطی که سابقه جنایت‌های لرزاننده‌شان عالمگیر است به اشاره کاخ سفید بحرکت درآمده بنام مردم آمریکا دانشجویان ایرانی مقیم این کشور را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند و با این صحنه سازی‌های مسخره می‌خواهند اقدام غیرقانونی و ضد بشری رهبران جنایتکار آمریکا را در پناه دادن به یکی از رسواترین تبهکاران قرن، شاه مخلوع و خونخوار توجیه کنند.

به این مناسبت لازم می‌دانیم در مسطور زیر ضمن پرده برداشتن از گسترش فعالیت‌های نیرو-های راست افراطی در دوران اخیر در دژ امریالیسم جهانی، مهم-ترین سازمان‌های ضد مردمی و تبهکار آمریکا را که بنام افکار عمومی در سرکوبی و ایذاء عناصر پیشرو و مترقی منجمله دانشجویان ایرانی نقش فعال دارند، به خوانندگان عزیز معرفی نمایم.

عناصر رنگارنگ ساوراء ارتجاعی و سازمان‌های سرکوبگر فاشیستی که زیر پرچم دموکراسی ادعایی آمریکا فعالیت میکنند، این سرزمین را «بهشت موعود» خود می‌دانند. امروز نیز چون گذشته نیروهای راست افراطی از سیاست تشویق آمیز مقامات آمریکایی نسبت به فعالیت‌های افسار گسیخته و جنایتکارانه‌شان سود جسته، قلمرو فعالیت تبهکارانه خود را وسعت می‌بخشند.

کوکلوس کلان قدیمی‌ترین (تاسیس در ۱۸۶۵) و پرعضوترین سازمان تروریستی آمریکا (تقریباً یا ۱۰۰۰۰۰ عضو) همواره با دست‌بازتری به تبهکاری می‌پردازد. آنچنان دیویتی شخصیت پر آوازه اجتماعی آمریکا میگوید: «کوکلاسی کلان که توسط «غولان بزرگ» و «دیوسرطان» بر-جسته اداره می‌شود و «افسوسگر امپراطوری» در راس آن قرار دارد، سرگرم بازسازی خود است. میامت لینچ کردن (مجازات و شکنجه حیوانی سبانهان) باز براه افتاده است. این سازمان جهانی در همه ایالات آمریکا به خشونت و بیدادگری مشغول است. طرفه این که اکنون آشکارا به فعالیت می‌پردازد و تا آنجا پیش رفته است که علنا برای جلب مردم رکلام نصب می‌کند. در کارولین جنوبی چنین وضعی دیده می‌شود. چنانکه هنگام ورود به شهر اسمیت فیلد پرده بسیار عظیمی را می‌بینیم که تصویر شوالیه‌ای با شند سفید رنگ کوکولوس کلانها در حالیکه صلیب فروزانی در دست دارد، روی آن نقش شده است. زیرا این تصویر شوم این عبارت خوانده می‌شود «از کوکولوس کلان حمایت کنید». صلیب‌های اعضای این سازمان نه فقط روی آفیش‌ها بلکه در فلوریدا و مریلند، در میشیگان و کارولین جنوبی، در نیویورک و ساثرانسکو، در شیکاگو و توول اورتن نیز در تلؤلواند، البته، فعالیت‌مدافعان نژاد سفید» (آغاورد که اعضای کلان آن را اقرار می‌کنند) تنها محدود به

صلیب‌های فروزان نیست. آنها سیاهان، مکزیکی‌ها، پورتو-ریکوئی‌ها و نمایندگان سازمان‌های سندیکیایی و جوانان را می‌کشند و یا قصد کشت مغروب و مجروح می‌سازند. هزینه فعالیت‌های کلان توسط صاحبان عمده مزارع و مؤسسات بزرگ صنعتی شمال تامین می‌شود. بعلاوه، مقامات محلی نظیر مساعد خود را نسبت به این سازمان آشکارا ابراز می‌دارند. مثلا گاری راجرز عضو کلان در نیویورک (ایالت میشیگان) هشت تن اسلحه از طیانچه، تفنگ و نارنجک تا توپ کالیبر کوچک ذخیره کرده است و کسی تعرضی وی نمی‌شود. شعبه کلان نیویورک که مرکز آن در واکولیز است دارای انبار مهمات و ذخایر تسلیحاتی خاصی خود است. گروه ضربتی کوکولوس کلان (معروف به «پره پوشان کلان») در ایالت مریلند که پایتخت آمریکا چندان فاصله ندارد، به سازمان دادن تمرین واقعی نظامی، تیراندازی و پرتاب بمب مبادرت کرده است.

امروز شعار اعضای کلان مبارزه یا سرخ‌ها، سیاهان و یهودیان، است. بنا به اظهارات رهبران کلان کمونیست‌ها دشمن شماره یک آنها هستند، اسکات نلسون یکی از رهبران شوالیه-های شرور کوکولوس کلان، ایالت تکزاس می‌گوید «ترمز نمودن کمونیسم، هدف اصلی ما است».

امروز اعضای کلان مجبور نیستند لباس مخصوص‌شان را که عبارت از یک شند سفید با دو سوراخ برای چشمها است بپوشند. آنها اکنون وینفورم سربازان و حتی افسران ارتش ایالات متحده را می‌پوشند. از این رو، گروهی از افسران عضو کلان ماموریت دارند به تحقیق سربازان سیاه پوستی بپردازند که در پایگاه پیاده نظام دریایی پاندلتون (ایالت کارولین) مشغول خدمت‌اند. آنچه که بیشتر تعجب آور است فرمانده آنها را به این کار برمی‌انگیزد. دریا-سالارک، هوفمن فرمانده این پایگاه برای تیره نژاد پرستان اعلام داشته است که او هیچ منع قانونی در ایجاد شعبه کلان در پایگاهش نمی‌بیند.

کلان در دستگاه پلیس و خدمات عمومی نیز نفوذ کرده است. نیویورک قایم‌خاطر نشان می‌سازد که در میان «کارمندان و کارکنان عالی‌رتبه نهاد های حکومتی» نام اعضای کلان بی‌شم می‌خورد. روبرت ساجن «شوالیه بزرگ کوکولوس کلان از ایالت کارولین جنوبی بخود می‌بالد که «موقیت کنونی امپراطوری نامریی بهتر از دوران آغاز فعالیت وی است، زیرا اعضای کلان به امرشان وفادارند و با پرورشی که یافته‌اند در فعالیت‌های خود هدف‌های کاملاً دقیقی را دنبال می‌کنند»

فعالیت کوکولوس کلان تنها به مرزهای ایالات متحده محدود نمی‌شود. این هفته نامه می‌نویسد شمارهایی که افراد را بخصوص کلان می‌خوانند روی در و دیوار کلاتری پلیسوت بیچشم می‌خورد.

آثاری که فلسفه نژاد پرستان را تبلیغ می‌کنند در کتابفروشیها فراوانند. فاشیست‌های آمریکایی نیز علنا و بدون احساس کمترین ترس فعالیت می‌کنند. نمونه‌هایی از واقعیت: جانیانی که پیراهن-های قهوه‌ای با آستین‌های مزین به صلیب شکسته یرتن دارند یتازگی اجازه یافته‌اند، زیر شعارهای ضدیهودی و نژادپرستانه در محله اسکوکمی شیکاگو، جایی که سیاهان و یهودیان زیادی در آن زندگی می‌کنند، میتینگ برگزار نمایند. نازی-های کلیوند جلسه‌های شورای اجرایی‌شان را علنا برگزار کرده و در آن برنامه عمل آینده خود را مورد بحث قرار می‌دهند. همانطور که روزنامه آمریکایی لورین چورنال می‌نویسد: این برنامه‌ها ایجاد ذخایر پنهانی مهمات و تسلیحات و نیز سازماندهی حمله به مراکز سازمان‌های مترقی را پیش بینی می‌کند.

برنامه‌های فاشیست اکنون یترتیب در مناطق و ایالت‌های ایالات متحده آمریکا به اجرا درمی‌آید. تاپستان گذشته در منطقه وسیعی از کارولین جنوبی محفظه زیر زمینی بزرگی کشف شد که مملو از انواع سلاحها بود. در این محفظه توپ‌های ضد تانک، بازوکا، مین‌انداز، دهها مسلسل و جعبه‌های نارنجک، دهها تن مهمات و همچنین ذخایر مهم آذوقه و وسایل پزشکی، کتابهای ضد کمونیستی، نازی و انبارها و محتوی آن به نازی‌های کالیفرنی و رهبرشان و. ولسان تعلق داشت.

ویلزویس روزنامه نیویورکی که خبرنگار خود را برای بازدید یکی از مراکز نازی‌های آمریکایی فرستاده بود و از قول او چنین نقل می‌کند: دیوارها پوشیده از آفیش‌های صلیب شکسته است. افراد یلند پالایی که ملبس به اونیفورم نازی‌اند بین میزهای مملو از جزوه‌های فاشیستی رفت و آمد می‌کنند. آنها خود را برای حمله تازه به سیاهان آماده می‌سازند. رهبران سازمان نازی در جریان گفتگو یا فرستاده روزنامه اعلام داشتند که فاشیست‌ها در ایالات متحده با آزادی کامل فعالیت می‌کنند و هیچ نیازی به مخفی کردن افکار و عقایدشان ندارند. مایک والن یکی از رهبران سازمان فاشیستی به خبرنگار یاد شده گفت که آمریکا واپسین امید نژاد سفید و آخرین دژ مبارزه علیه یهودیان و کمونیست‌ها است.

فاشیست‌ها پیش از پیش به یک تهدید و خطر واقعی بدل شده‌اند. چنانکه در بوستون و شیکاگو هزاران جنایتکار فاشیست علیه سیاهان که در یک میتینگ شرکت جسته بودند، دست به سرکوب و کشتار زدند. فاشیست‌ها در برابر تظاهرات سازمان‌های ترقیخواه در اوکلند، سان‌خوزه (ایالت کالیفرنی) و لوئیس (ایالت میسوری) دسته‌های سرکوبگر برای می‌اندازند. پلیس در برابر شقاوت و افسار گسیختگی «قهوه‌های پوشان» روش بی‌تفاوت و خون‌سردانه در پیش می‌گیرد.

مقامات شیکاگو سرگرم بحث درباره این مسأله‌اند که نازی‌ها حق دارند یا صلیب شکسته در ملاء عام ظاهر شوند و شعارهای فاشیستی خود را در سرکوب و کشتار یهودیان تبلیغ نمایند. مجله یونایتد استیونیواند ولدریپورت در نوامبر گذشته نوشت: نازی‌های آمریکا می‌گویند جنبش خود را در بسیاری از مناطق «قانونی سازنده» برای رسیدن به این هدف، آنها می‌گویند تعداد کاندیداهای خود را در مشاغل دولتی افزایش دهند. طی دو سال اخیر کاندیداهای نازی در انتخابات میلووکی، رالیگ، شیکاگو، هوستون و گالوستون وسیعا شرکت‌جستند. «ف. گولین رهبر نفوذی‌های شیکاگو بخود می‌بالد که در صفوف پلیس شیکاگو نظیر مساعدی نسبت به هم‌مسلمان وی وجود دارد».

مقامات آمریکایی نسبت به اعضای ماوراء ارتجاعی «انجمن جان بیرج» حسن نظر دارند. این سازمان راست افراطی علیه رجس لسیاسی که به زعم وی «فاسلوب» تشخیص داده می‌شوند، دست به سوء قصد می‌زند؛ گروه ضربتی ترتیب می‌دهد و به انواع سلاح‌ها مجهز می‌شود. شگفت این که برخی از اعضای این انجمن به مشاغل مهم دولتی راه می‌یابند مانند لورنس مکدونالد نماینده کنگره از ایالت جورجی که عضو شورای «انجمن جان بیرج» است. این نماینده عالی‌قدر صدها تفنگ و تپانچه ذخیره کرده است. باید پرسید که این «باباقانونگذار» چه نیازی به انباشتن اینهمه سلاح دارد؟ پاسخ او این است: «این سلاح‌ها برای دفع تهاجم کمونیستی و جلوگیری از بی-نظمی‌های داخلی است».

صیونیست‌ها با اعضای کوکولوس کلان، نازی‌ها و دارودسته بیرج نقطه نظر‌های مشترکی دارند. جنایتکاران مسلح این باند تروریستی مورد احترام مقامات پلیس و حاکمه ایالات متحده‌اند. اعضای جنایتکار باند صیونیست‌ها همواره از پیگردهای قانونی مصون می‌مانند.

فعالیت قانونی سازمان‌های راست افراطی در ایالات متحده و تبلیغات وسیع ایدئولوژی نژاد پرستانه، فاشیستی و ضد کمونیستی به وضوح پرده ازدموکراسی‌گریه نوع آمریکایی برمی‌گیرد. ایالات متحده امروز نیز مانند دیروز کشور پاسدار منافع سرمایه‌ انحصارطلب و ارتجاع‌شوم است. پناه بردن جنایتکاران بین-المللی به آغوش انحصارطلبان غارتگر آمریکا هیچ تعجبی بر- نمی‌انگیزد. وان‌تیوها، نازی‌ها، محمد رضای خائن و صدها جنایتکار دیگر چه جایی بهتر از آمریکا برایشان وجود دارد. در این‌جا باید به سخنان مایک والن یکی از رهبران سازمان فاشیستی آمریکا در توصیف این دژ جنایتکاران افزود: آمریکائوایستن امید نژاد پرستان، جنایتکاران، صیونیست‌ها و دیگر مرتجعین داخلی و خارجی و دژ توطئه علیه بشریت آزاد و ترقیخواه است.

عاشورای حسینی

بقیه از صفحه ۱

بزرگ و کوچک بوده است. بی‌جهت نیست که مردم اعماق جامعه‌اشاه خائن و جلاد را «یزیدزمانه» می‌نامیدند و با الهام از سنت گرانمایه نهضت حسینی پیروزی «خون برشمشیر» باورمندند. شاه خائن با اشاعه گندیده-ترین مظاهر فرهنگ استعماری در وطن‌ها و آلودن مطبوعات و رسانه‌های مهم گروهی به زهر ادبیات بورژوازی و پورنوگرافیک سعی فراوان کرد در باورهای راستین مردم ما دستکاری نماید و آثار زنده عناصر انقلابی مذهبی و دیگر میراث‌های انقلابی را در ذهن توده‌های اعماق اجتماع بمیراند.

اوج کنونی جنبش ضد-استبدادی و ضد استعماری در تاریخ وطن ما نشان داد که چگونه ضرورت تاریخی بیاری نیروی بسیجنده باورهای ملی و بورژوازی فلسفه این مبارزه و واداشتن مردم به مویه‌وزاری عبث و عاجزانه، شهادت حسین و یاران صمیم او و فراخوان زنده‌ای برای بسیج توده‌های مومن در مبارزه با شیاطین

شانزده آذر

بقیه از صفحه ۱

۱۶ آذر علی‌رغم توطئه‌های گونه‌گون رژیم منفور پهلوی در فروغلتاندن آن به‌وادای نسیان به سنت پایدار جنبش انقلابی دانشجویان میهن‌مبادل گردید و هرگز از یاد مبارزان راه‌حق و عدالت زوده نشد.

شاه‌خائن در طول ۲۵ سال سلطنت پرادبار خود هر سال در آستانه ۱۶ آذر با توفان خشم و نفرت فرایند داندشجویان نسبت به رژیم ضد خلقی خود رو برو می‌شد. این سنت گرانمایه پرچم‌یکانگی مبارزه دانشجویان علیه استبداد و استعمار بود.

امسال ۱۶ آذر در شرایط پیروزی انقلاب ملی وضد استعماری مردم ایران و آغاز مرحله دوم انقلاب خلقی ما برگزار می‌شود. این روز یکی از درخشان‌ترین نشانه‌های پیوند رژیم نیروهای ضد امپریالیست در راه آزادی و استقلال ایران است و می‌تواند کمانه شفاف و یکپارچگی فکر و عمل برای مبارزان راستین و صدیق انقلاب باشد.

۱۶ آذر سال ۳۲ نشان داد که گلوله‌های کور دشمن بی‌هیچ تمایزی سیئه همه مشتاقان راه آزادی و استقلال ایران را مشیک می‌سازد و به سوداها و اندیشه‌های رنگارنگ مبارزان نمی‌نگرد. سنت انقلابی ۱۶ آذر و تجربه پر بار آن درس وحدت و یگانگی می‌آموزد و تفرعن، تنگ‌نظری و انحصارطلبی‌های فرقه‌گرایانه را برانزنده مبارزان اصیل نمی‌داند.

۱۶ آذر امسال که مصادف با نخستین بهار آزادی مردم ایران و آغاز مرحله دوم انقلاب خلقی ما علیه امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا است، یاد شهیدان دانشگاه را با شکوه خاصی در خاطره‌ها زنده نگاه میدارد. تقارن این یادروز تاریخی با اقدام جسورانه دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا مفهوم ویژه‌ای بجنبش دانشجویی می‌دهد و رسالت پر مسئولیت این جنبش را در تدوین مبارزه درنگ‌ناپذیر ضد امپریالیستی خلق ما بوضوح می‌نمایاند. نهضت مقاومت دانشجویان قهرمان دانشکده فنی پس از کودتای خونین شام آمریکا در سال ۳۲ نمونه درخشان از پیوند عمیق جنبش دانشجویی با جنبش عمومی خلق ایران در مبارزات رهایی بخش ملی است. اقدام دانشجویان پیرو خط امام مرحله‌عالی این مبارزه را تصویب می‌کند. جا دارد که همه گردانهای اصیل دانشجویی با الهام از این نهضت اصیل که ریشه عمیق در تاریخ مبارزات ملی دارد، همه نیروها را بی‌هیچ تنگ‌نظری و هژمونی طلبی برای یثمر رساندن هدفهای انقلابی مرحله دوم انقلاب در یک صف واحد برهبری امام خمینی بسیج نمایند.

این یادروز و خاطره شهدای قهرمان آن گرامی بادا هفته نامه اتحاد مردم ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران تهران، خیابان سزاوار شماره ۱۸۹ تلفن ۶۴۴۳۸۲ چاپ کاویان